

محسن فاطمی

... سال ۱۷۱۰ میلادی و درست ۲۹۷ سال پیش، «هامفری»؛ جوان ۲۰ ساله‌ای است که به خوبی آموزش‌های وزارت مستعمرات بریتانیا را فرا گرفته و به همراه نه جاسوس دیگر راهی سرزمین‌های مشرق زمین می‌شود؛ سرزمین‌هایی که افسانه‌ها و شگفتی‌ها و منابع ارزشمند فراوان با خود دارد و البته مقادیر عظیمی از نفت و گاز. او به خوبی می‌داند که در ترکیه و عراق، چگونه همچون یک مسلمان دو آتشه نماز بخواند و زبان عربی و فارسی را مثل بلبل تکرار کند. اکنون سه قرن از آن روزها گذشته و «هامفری» به نام «مستر همفر» در تمام جهان اسلام و به ویژه خاورمیانه شناخته شده است. «هامفری» با تأثیر گرفتن از کتاب هزار صفحه‌ای «چگونه اسلام را نابود کنیم؟»، برنامه اصلی خود را با تحریک فردی به نام «محمد عبدالوهاب» ادامه داده و یکی از انحرافی‌ترین مکاتب زمانه یعنی «وهابیت» را تولید کرد.

این جاسوس کارگشته و مستشرق سریع‌الفکر، به خوبی به تأثیر و کارکرد عنصر عاشورا و عزای حسینی در ایجاد روحیه مبارزه و شهادت‌طلبی در بین همه توده‌های مسلمان پی برده بود. عنصری که آهنگ حزن و حماسه آن در سرتاسر کیتی و از خاور دور تا کرانه‌های سِند و از هند تا لبنان و از مدیترانه

در بین مسلمانان، پیروان مذهبی تشیع که در سرزمین ایران سکونت دارند، از حیث عقیده و ایمان استوارتر و طبعاً خطرناک‌ترند... برپا داشتن مراسم عزاداری حسین (ع) از سوی شیعه و اجتماعات بزرگ سوگواری در ماه‌های ویژه محرم و صفر و ایراد منظم خطابه‌ها و سخنرانی‌هایی که در تقویت و استحکام مبانی ایمان مسلمین تأثیر انکارناپذیری دارد، آنان را به رفتار نیک و امانت‌دار...



نینوا؛ رجز خاکریز اول

به ملی‌گرایی و تعصبات قومی و نژادی و سوابق تاریخی را عاملی مؤثر در وحدت عقیدتی و سیاسی جهان اسلام برمی‌شمرد و راهکار مقابله با این پدیده را چنین ارائه می‌دهد: «افکاری که سبب زنده نگه داشتن عصیتهای قومی و نژادی و ملی‌گرایی،

سوگواری در ماه‌های ویژه محرم و صفر و ایراد منظم خطابه‌ها و سخنرانی‌هایی که در تقویت و استحکام مبانی ایمان مسلمین تأثیر انکارناپذیری دارد، آنان را به رفتار نیک و می‌دارد...»
مستر همفر پایبند نبودن مسلمانان راستین

حضرت آیت الله جوادی آملی: «در زمان جنگ، در خاکریز اول جبهه، صدا و نوای «حسین حسین» بر آسمان طنین‌انداز بود، نه صدای «ای ایران»! این کشور با نوای «یا حسین یا حسین»، حفظ شد نه «ای مرز پرگهر»»



تا باختر، همه بشریت را به قیام در برابر ستم فرا می‌خواند. تأثیری عظیم که همه فرقه‌ها و نحله‌ها و مکاتب الهی و الحادی، هر یک به فراخور فهم و ظرفیت خود، از آن بهره‌ها گرفته‌اند. نگاهی کوتاه به کلمات قصار و گفتار بزرگان غیر مسلمان در جای جای گیتی، گواه تأثیر فوق‌العاده عاشورا در آموزش روش مبارزه و رهایی از دستگاه ظلم و جور است. اهمیت این نکته، برای بریتانیای کبیر که در پی فتح کشورهای ثروتمند دنیا در هر نقطه‌ای به بهانه‌های گوناگون دارالتجاره، دارالتعلیم، دارالشفافا، دارالفنون و دارالقشون برپا می‌کرد، به خوبی آشکار شده بود. از همین رو هیچ عنصری همچون عاشورا و عزای حسینی نمی‌توانست عامل تقویت روحیه مبارزه و شهادت‌طلبی در برابر زیاده‌خواهی‌های استعماری آنان به شمار آید.

نظرات «هامفری» جوان درباره امام حسین (ع) و تقویت ملی‌گرایی در برابر دین‌گرایی در دنیای اسلام، در دستورالعمل‌هایی که به سیستم امنیتی انگلیس ارائه می‌دهد، بسیار خواندنی است. به این سطرها دقت کنید: «در بین مسلمانان، پیروان مذهبی تشیع که در سرزمین ایران سکونت دارند، از حیث عقیده و ایمان استوارتر و طبعاً خطرناک‌ترند... برپا داشتن مراسم عزاداری حسین (ع) از سوی شیعه و اجتماعات بزرگ



حضرت آیت الله جوادی آملی: الان اگر کسی بخواهد بداند سند شش دانگ این کشور به نام کیست؟ باید گفت: «سید الشهداء». کشور ایران را اسلام و خون سیدالشهداء، حفظ نمود.

شود».

اکنون ۲۹۰ سال از نگارش خاطرات «مستر همفر»^۱ می‌گذرد و ماسکه در قرن چهاردهم هجری و بیست و یکم میلادی روزگار را سپری می‌کنیم، می‌توانیم بفهمیم که حسگری‌های این جاسوس کارکنده انگلیسی در سه قرن پیش، چگونه عظمت و کارآمدی عاشورا و قیام حسینی و تأثیر آن در ترویج روح شهادت‌طلبی و مبارزه را دریافته است.

انقلاب اسلامی در محرم ۱۳۴۲ آغاز شد و در محرم ۱۳۵۷ به ثمر نشست. این انقلاب تنها انقلاب گسترده تاریخ سیاسی بشر بوده که با اتکاء به نسخه اصلی نهضت عاشورا، توانست از شاه، دستگاه طاغوتی و حامیان بین‌المللی آن، چهره‌ای یزیدی را در برابر دید مبارزان راستین قرار دهد و سخن رهبر نهضت را همچون سخنان حسین بن علی (ع) در میان توده‌ها و قشرهای اجتماع طنین اندازد. جنگ هشت ساله، فرآیندی تهاجمی و واکنشی سریع بود که از سوی همه دنیا بر انقلاب اسلامی تحمیل شد. تهاجم و واکنشی خونین که هیچ عاملی جز همان عامل پیروزی و تحرک انقلاب، نمی‌توانست در برابر آن ایستادگی نماید؛ عامل و علتی که «همفر» انگلیسی در سه قرن پیش از آن به عنوان مهم‌ترین مانع جدی در برابر استعمار دنیای اسلام نام برده بود.

بسیار مخاطره‌آمیز است و به شدت باید از آن جلوگیری نمود... باید مراکز عزاداری حسین (ع) و تکایای عزاداری نابود و به ویرانه تبدیل شود. البته باید ویران نمودن تکایا و تعطیل نمودن عزاداری، تحت عنوان مبارزه با گمراهی مسلمانان و از بین بردن بدبختی‌های آنان انجام بگیرد. باید با تمام وسایل بکوشیم تا مردم از رفتن به تکایا و عزاداری برای حسین (ع) خودداری کنند و به تدریج این گونه کارها به فراموشی سپرده

دل‌بستگی شدید به فرهنگ و زبان و تاریخ گذشته ملت‌هاست، باید تقویت و قهرمانان و شخصیت‌های تاریخی پیش از اسلام به شدت زنده و گرامی داشته شود؛ مانند زنده کردن فرعونیت در مصر، دین زرتشت در ایران و بت‌پرستی بابل در سرزمین بین‌النهرین. چند صفحه آن سوتر از این سطرها، «مستر همفر» این سطور را نیز می‌افزاید که: «اجتماع در مجالس روضه‌خوانی و سینه‌زنی برای اهداف ما



با بررسی و صیابای شهیدان، می توان این نکته را دریافت که حسین بن علی (ع) و عنصر عاشورا، قوی ترین موتور محرک سربلندی و خستگی ناپذیری و استقامت مجاهدان راه خدا در هشت سال دفاع مقدس بوده است.

طنین انداز بود، نه صدای «ای ایران»! این کشور با نوای «یا حسین یا حسین» حفظ شد نه «ای مرز پر گهر»! شما دیدید در شب های عملیات که سرود «ای ایران، ای مرز پر گهر» جایی نداشت، شرف این مملکت با حسین بن علی (ع) تأمین شد. یک وقتی در رقم ۹۰ شهید را برای تشییع آورده بودند. سخنران مراسم تشییع من بودم. مادران شهید برای وداع با فرزندان شان در سر خیابان چهار مردان قم ایستاده بودند. این مادران شهید، گویا فرزندان شان را به حجله دامادی می بردند، مادران به دنبال نعش جوانان؟! آخر مادر بر سر نعش فرزندش، آن هم از اربابا! پیکر تکه پاره؟! آنجا بود که با خودم گفتم دین خدا را نه سخترانی تو حفظ کرده و نه فتوای فلان عالم. وقتی خدا بخواهد دین را حفظ کند، این گونه آن را حفظ می کند. این است که الان اگر کسی بخواهد بداند سندش دانگ این کشور به نام کیست؟ باید گفت: «سید الشهداء». کشور ایران را اسلام و خون سید الشهداء، حفظ نمود.

پی نوشت ها:

۱. خاطرات همفر، جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی؛ ترجمه دکتر محسن مؤیدی؛ انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۲. صحیفه نور، ج ۲۰.

دینی و راه حسینی ذکر شده است. تنها با بررسی بسیار اندک در میان آثار، نوشته ها، یادداشت ها و وصایای شهیدان، می توان این نکته را دریافت که حسین بن علی (ع) و عنصر عاشورا، قوی ترین موتور محرک سربلندی و خستگی ناپذیری و استقامت مجاهدان راه خدا در هشت سال دفاع مقدس بوده است.

رسانه های تصویری و مکتوب و نمایش هولو فیلم ها، در یک جعل تاریخی و توهین جدی، سرودهای ملی میهنی همچون «ای ایران، ای مرز پر گهر»! را سرود رسمی جبهه هورز مند گانه معرفی می کنند، اما آنان که در حال و هوای حسینی خاکریزهای دوران دفاع مقدس، عمری سپری کرده اند و از نسیم عاشورایی شب های عملیات بهر محسنته اند، به خوبی می دانند که نه تنها «ای ایران، ای مرز پر گهر» جایی در میان مجاهدان راه خدا نداشته، بلکه این نام در خشان حسین بن علی (ع) بود که در دل دریایی آنان، توفانی از حماسه و عرفان را جاری می ساخت. کسی چه می داند! شاید یاران فکری «مستر همفر» بیس از سه قرن هنوز در گوشه و کنار برآند تا با جعل تاریخ به دستور العمل های جاسوس کار کشته انگلیسی همت بگمارند و نام و یاد حسین بن علی (ع) را به فراموشی بسپارند، اما حقیقت این حادثه شکوه مندرامی توان در این جمالات یافت. جمالاتی از حکیمت الهی حضرت تایت الله جوادی املی: «در زمان جنگ، در خاکریز اول جبهه، صدانوای «حسین حسین» برآسمان

عاشورا و حسین بن علی (ع) می توانست، آن گونه که کشتی انقلاب اسلامی را از میان همه توفان ها و حوادث به سلامت به ساحل پیروزی رسانده بود، سرانجام جنگ را نیز به گونه ای رقم زند که نه تنها همه معادلات و طرح های دنیا علیه انقلاب نتایج معکوس داشته باشد، بلکه درست به نفع انقلاب اسلامی منجر شود. در این میان سعی و تلاش گروهای وابسته به سازمان های جاسوسی همچون جبهه ملی، نهضت آزادی و سازمان منافقین، در ماه های آغازین شروع تهاجم عراق، بر آن بود که این نزاع نظامی را نزاع عرب و عجم و یک درگیری نژادی و قبیله ای در منطقه نشان دهند، آن گونه که حزب بعث و صدام نیز به گونه ای دیگر همین انگیزه را مطرح می کردند. این دو موضع گیری واحد، در خارج و داخل ایران از سوی گروهای ضد انقلاب و حزب بعث می تواند فرینه ای باشد از منبع مشترک این دو بخش. حضرت امام (ره) بان که در روز نخست جنگ در اول مهر ۱۳۵۹، صدام را یزید خوانده بود، تا پایان روزهای جهاد و شهادت؛ جنگ هشت ساله را بدل از نزاع یزید و حسین (ع) دانستند و چنین فرمودند: «حسینیان! امروز ایران کربلاست».

از میان وصیت نامه شهیدان می توان این نکته را به خوبی دریافت که عنصر قوم گرایی و ایرانی بودن و میهن پرستی نه تنها جایی نداشت، بلکه اگر نامی از ایران و میهن نیز به میان آمده، در سایه دفاع از حکومت